



ترجمه | حمیدرضا فتاحی | قیمت نفت روز جمعه در بازار آمریکا و در پی افزایش شدید صف‌های فروش سهام در وال‌استریت، پنج درصد کاهش یافت و به این‌ترتیب اثر مثبتی که در روزهای اخیر به دلیل سومین کاهش هفتگی چاه‌های نفت آمریکای شمالی به دست آمده بود با کاهش روز جمعه خنثی شد. افزایش ارزش دلار، هراس از عدم کاهش تولید توسط اوپک و کاهش تنش‌های خاورمیانه که در پی مذاکرات بین آمریکا و روسیه بر سر آینده روسیه آغاز شده است نیز ازجمله عوامل کاهش اخیر قیمت نفت بوده است.

قیمت نفت آتی آمریکا برای تحویل در ماه آینده با ۲/۲۲ دلار یا ۴/۴۸ درصد کاهش به ۴۶/۴۸ دلار برای هر بشکه رسید.

همچنین بهای هر بشکه نفت برنت که نفت شاخص بازارهای جهانی به شمار می‌رود نیز برای تحویل در ماه آتی با ۱/۶۱ دلار یا ۳/۳ درصد به ۴۷/۴۷ دلار برای هر بشکه کاهش یافت.

اظهارات اخیر رکن‌الدین جوادى، معاون وزیر نفت ایران درباره تصاحب دوباره سهم بازار این کشور پس از لغو تحریم‌ها نیز عامل دیگری برای کاهش قیمت نفت در روزهای اخیر بوده است. اما شاید بتوان یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر کاهش قیمت نفت را سخنان دیروز هیلاری کلinton، نامزد دموکرات و یکی از امیدهای این حزب برای کسب کرسی ریاست‌جمهوری در انتخابات سال آتی دانست. هیلاری کلinton جمعه طى اظهاراتی از برداشتن محدودیت قانونى صادرات نفت آمریکا در صورت انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهورى خبر داد. صادرات نفت خام آمریکا به خارج تصویب شده ممنوع است. در صورتى که کلinton رئیس‌جمهور شود برای لغو این قانون تلاش خواهد کرد.

کلinton در سخنان خود که در صورت اجرایی‌شدن می‌تواند شوک بزرگی به بازار جهانی نفت وارد کند، عملکرد صنعت انرژی آمریکا را مورد انتقاد قرار داده و گفته است: «برداشت من از لایحه منع صادرات نفت این است که این قانون تا به حال هیچ اثر مثبتی بر نظام تولید و مصرف انرژی در آمریکا نداشته و تحولی به وجود نیاورده است.»

از سوى ديگر کاخ‌سفيد نیز طى هفته گذشته از موضع مخالف باراک اوباما درباره لغو ممنوعيت صادرات نفت آمريکا خبر داد. به نظر می‌رسد قانون منع صادرات نفت آمريکا که ۴۰ سال پيش و در پی بروز تحریم نفتى اعراب عليه غرب در سال ۱۹۷۳ ميلادى و توسط کنگره آمريکا تصويب شده است تا پايان دور دوم رياست‌جمهورى اوباما همچنان پابرجا باشد. گسيل نفت خام از آمريکا به بازارهای جهانی طى سال‌های آينده می‌تواند فشار عرضه را به نفع کاهش بيشتر قيمت‌ها تغيير دهد و در حالى که قيمت نفت ظرف کمتر از یک‌سال بيش از نصف کاهش داشته است، به کمتر از اين نیز برساند.

کارشناسان معتقدند کلinton احتمالا با اين قانون به شرطى موافقت خواهد کرد که مشوق‌های مالیاتی دائمى برای صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله تولیدکنندگان انرژی‌های خورشيدى و بادی در نظر گرفته شود.

منبع: رویترز

محمدصادق جوکار از استراتژی کنار زدن رقیب سنتی در بازار نفت می‌گوید

راهکار عبور از عربستان



است، امری بدیهی است؛ اما مظاهرا اقدامات اخیر عربستان دلایل دیگری هم دارد، سناریو افزایش تولید عربستان چه مقاصد سیاسی را دنبال می‌کند؟

یکی از مسائلی که عربستان را مصر بر افزایش تولید کرده است مساله توافق هسته‌ای ایران بوده که این توافق به نفع منافع عربستان نیست. بنابراین با افزایش فشار اقتصادی سعی در بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود در محاسبه مسائل منطقه دارد. شاید یکی دیگر از عواملی که از عوامل بنیادی محسوب می‌شود؛ تغییر میزان تقاضای پالایشگاه‌های ایالات متحده آمریکاست. این مساله به دلیل تغییر فصل به وجود آمده که توازن بازار را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. کاهش آمار نامیدکننده از رشد اقتصادی چین هم تاثیر بسزایی در موازنه بازار داشته است. عربستان هم چه با افزایش تولید خود و چه با ایجاد فشارهای دیپلماتیک از شرایط تشدید کاهش قیمت نفت عقب نماند و با عدم‌پذیرش تشکیل اجلاس سران اوپک، ابتدا از باز پس‌دادن سهم ایران سر باز زد و است و دوم آشتی میان نفت اوپک و غیر اوپک را که ونزوئلا در صدد ایجاد آن بود بی‌نیجه گذاشته است. مهم‌ترین سناریویی که در مورد عربستان و ایران مطرح می‌شود، تعارض اهداف استراتژیک این دو کشور است. اهداف استراتژیک با چشم‌انداز توسعه کشور، وضعیت همسایگان و جایگاه یک کشور تعریف می‌شود که برای هر کشوری در قالب اصول متفاوت تبیین می‌شود. در این راستا

”

عربستان چه با افزایش تولید خود و چه با ایجاد فشارهای دیپلماتیک از شرایط تشدید کاهش قیمت نفت عقب نماند و با عدم‌پذیرش تشکیل اجلاس سران اوپک، ابتدا از باز پس‌دادن سهم ایران سر باز زده است و سپس آشتی میان نفت اوپک و غیر اوپک را که ونزوئلا در صدد ایجاد آن بود بی‌نیجه گذاشته است

”

III

”

شما، هم‌اکنون که قیمت نفت روند نزولی را طی می‌کنید؛ این نمودار کاهشی از چه عواملی تاثیر می‌گیرد؟
جهان امروز با مزاد عرضه نفت به نسبت تقاضا روبه‌رو است و تمام تولیدکنندگان نفتی با افزایش تولید نفت سعی در تغییر موازنه بازار دارند. برای مثال در سال‌های اخیر نفت شیل با افزایش دکل‌های حفاری و دانش فنی نوین خود توانست میزان تولید خود را تا سطح قابل‌توجهی افزایش دهد. این افزایش تولید به خودی خود توازن عرضه و تقاضا را برهم زد؛ به‌گونه‌ای که یکی از عوامل کاهش قیمت نفت را افزایش تولید نفت شیل می‌دانند، که البته طی ماه‌های اخیر یعنی از آوریل تاکنون تولید نفت شیل ۶۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است.

اما این همه داستان کاهش قیمت نفت نیست. در سال ۲۰۱۱ با تعیین سقف ۳۰ میلیون بشکه‌ای اوپک بدون سهم‌بندی کشورهای عضو اکنون چندین سناریو وجود دارد. بالا رفتن سقف تولید عربستان و عراق موجب شده است تولید نفت رقمی بیش از ۳۰ میلیون بشکه را داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که بازآرا نفت، امروز با یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه مزاد تولید نفت اوپک روبه‌رو است. اما این افزایش تولید تنها در گرو متغیرهای اقتصادی نیست و بیشتر جنبه سیاسی دارد. گفته می‌شود عربستان به‌عنوان ناظر سنتی بازار از افزایش تولید خود به‌عنوان عاملی در جهت ایجاد فشار بر بازار استفاده می‌کند تا به این وسیله به مقاصد دیپلماتیک خود دست یابد.

اینکه عربستان رقیب ما در تولید نفت

تعطیلی بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت ایران

پالایشگاه نفت شازند به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده بنزین سورو چهار ایران به دلیل حادثه از مدار بهره‌برداری خارج شده است. پیش‌بینی می‌شود با تعطیل شدن این پالایشگاه، حجم واردات بنزین افزایش یابد. پالایشگاه نفت شازند از ظرفیت تولید روزانه ۱۶ میلیون لیتر بنزین با استاندارد یورو چهار اتحادیه اروپا برخوردار است که با تعطیلی موقت این پالایشگاه عظیم نفتی، قطعاً حجم واردات بنزین کشور با افزایش روبه‌رو خواهد شد. پالایشگاه نفت شازند از ظرفیت تولید روزانه حدود ۱۶ میلیون لیتر بنزین با استاندارد یورو چهار برخوردار است و یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان بنزین یورو چهار کلانشهرهای کشور به‌ویژه تهران، کرج، اراک و حتی قم است.

محل فروش نفت جبران شود. اما مشکل عربستان تنها کسری بودجه نیست. این کشور برای حفظ ائتلاف خود در جنگ یم، به پول‌های کلانی نیاز دارد. جنگ، چه جنگ مغلوه باشد یا غالب؛ هزینه دارد و نتیجه این نیاز مالی برای حفظ ائتلاف عربی و کسری بودجه، کاهش قیمت را دامی برای عربستان ساخته است.

در بازار باید به دنبال مصرف‌کنندگان قدرتمند باشیم. این امر در مورد گاز چگونه برای کشور ما محقق خواهد شد؟
حقیقت این است که هر چه به بازارهای قدرتمندتری وابسته باشیم، در عرصه بین‌المللی از سیاست راهبردی قوی‌تری هم برخوردار خواهیم بود. در شرایط کنونی باید بحث انتقال انرژی را جدی بگیریم؛ نه‌فقط برای رقابت با عربستان؛ که برای بالا بردن ارزش راهبردی ایران در بازارهای بین‌المللی. حتماً این امر در دوره پسانتحریم می‌تواند مهم باشد؛ به‌خصوص سوآپ نفت و گاز. سوآپ نفت و گاز به همسایگان شمالی می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌های ایران باشد؛ چراکه شورهای همانند آذربایجان یا ترکمنستان به لحاظ مناقشات دیپلماتیک با همسایه‌های خود نیاز به کشور واسطی دارند که مسئولیت سوآپ را برعهده گیرد. ایران می‌تواند با ایفای این نقش نه‌تنها عامل انتقال و تجارت انرژی شمال به جنوب، بلکه به اروپا نیز باشد. یک نکته مهم این است که خوشبختانه میزان تقاضای همسایگان ایران، بیش از عرضه است. این موضوع را میزان تقاضای انرژی در کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه آسیای شرقی و اروپا این کاملاً تأیید می‌کند.

گفته می‌شود ایران می‌تواند جا پای روس‌ها برای انتقال گاز به اروپا بگذارد. آیا در شرایط فعلی این سرعت‌ورود ما به بازار اروپا با ناهم‌گونی گرفتن روس‌ها پایبندی نخواهد داشت؟

اعلام و بیان رسمی هدف ورود به بازار گازی اروپا، در شرایطی که هنوز به حمایت روس‌ها در پرونده هسته‌ای و لغو تحریم‌ها نیازمندیم، به صلاح نیست. اما از نظر راهبردی، ورود ایران به بازارهای اروپایی از مزوومات است و چه به لحاظ راهبردی و چه اقتصادی عامل افزایش امنیت ملی و انرژی ایران است. حتی ایسن ورود به بازار اروپا می‌تواند موضوع بازگشت تحریم‌ها را با مانع روبه‌رو کند. به‌نظر می‌رسد مسئولان ایران معتقدند در شرایط کنونی نباید روس‌ها را علیه خود حساس کنیم زیرا ممکن است در مذاکرات هسته‌ای اختلال ایجاد کنند، بنابراین ایران نمی‌خواهد به‌عنوان رقیب روسیه مطرح شود. پس ورود به بازار اروپایی نباید رسانه‌ای شود. به نظر من، هرچه ثبات توافق هسته‌ای و اجرای آن بیشتر شود و نیاز ایران به روس‌ها کاهش یابد، می‌توان سیاست‌های راهبردی برای ورود به بازار اروپا را رسانه‌ای کرد.

”

ساله و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است. شاید در شرایط فعلی افزایش تولید و صادرات گاز مناسب‌تر باشد. سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید گاز نه به لحاظ رقابت با عربستان، بلکه به دلیل تأمین امنیت استراتژی کشور حائز اهمیت است. امنیت انرژی هر کشوری، امنیت ملی آن کشور محسوب می‌شود. با این همه یک ویژگی ممتاز، که افزایش تولید گاز و دست آخر صادرات آن نسبت به نفت دارد، این است که همسایگان-به جز قطر- به نسبت مسا از دخیار گازی مستقل کمتری برخوردارند. یا بنا به وضعیت جغرافیای استراتژیک خود قدرت رقابت با ایران را ندارند، لذا این موضوع برای ایران برد محسوب می‌شود. پرواضح است که عربستان تنها نفت تولید می‌کند و این کاهش قیمت در بلندمدت بیشتر خود عربستان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. چنانچه اخبار منتشر شده در این باره نشان از کسری بودجه‌ای بالغ بر ۱۷۰ میلیارد دلاری این کشور دارد، که باید از

آیا نیاز جهان به انرژی خاورمیانه در حال کم‌شدن است؟

در آینده بازار نیاز به توازن دارد، نه مناقشه. جهان در حال پذیرش این نکته است که ثروت هر کشوری حاشیه‌امیتی آن کشور محسوب می‌شود. در نتیجه نمی‌توان در حوزه‌های ناامن که ریسک سرمایه‌گذاری زیادی را دربرمی‌گیرد، سرمایه‌گذاری کرد. فرقی نمی‌کند که این ریسک به دلیل اتمسفر منطقه باشد یا مسائل داخلی آن کشورها. در آینده نحوه عرضه به تقاضا تغییر خواهد کرد، به این معنی که با کاهش نیاز غرب به نفت خاورمیانه نیاز آسیای جنوب شرقی به نفت خاورمیانه، افزایش خواهد یافت.

نکته مهم دیگر این است که نیمکره غربی از بازار نیمکره غربی برای تأمین انرژی می‌رسد فعال شدن میداین نفتی مکزیک و کانادا و سرمایه‌گذاری‌های هنگفت، برای کاهش یافتن وابستگی انرژی غرب به نفت خاورمیانه است. البته نقش خود کشورهای خاورمیانه در موازنه و نیاز بازار بسیار مهم است. کشورهای اروپایی نیاز به بازار متنوع و امن دارند و از اینکه برای تأمین انرژی به یک کشور وابسته باشند تحت فشار هستند.

#



یادداشت

تغذیه نفتی مخالفان توافق با ایران

طبل مخالفت با توافق هسته‌ای با ایران زمانی به نفت و صنایع وابسته به آن می‌رسد که در توافق جامع، تحریم‌های یکجانبه علیه صنعت نفت ایران برداشته شود. با برداشته شدن تحریم‌ها، ایران قادر خواهد بود طی مدت یک تا دو سال، تولید پیشین خود را بازیابی کرده و نزدیک به ۱/۵ میلیون بشکه بر تولید روزانه نفت خام خود، اوپک و جهان بیفزاید. روزنامه آنلاین هافینگتون‌پست، طی مقاله‌ای به ارتباط این اتفاق و مخالفت‌های سنا با توافق هسته‌ای ایران پرداخته است.

هر چه بازار نفت خام آشفته‌تر و قیمت‌ها ارزان‌تر شد، صدای سناتورهای جمهوری‌خواه بالاتر رفت و تلاش کردند مانع از اجرای «برجام» در آمریکا شوند. برخی مانند سناتور لویی گومر، توافق با ایران را زمینه‌سازی برای یک «هولوکاست» نامیدند و برخی هم مانند سناتور استیون کینگ در این‌باره گفتند: «توافق با ایران یک اشتباه تاریخی را رقم می‌زند.» این سناتورها وقتی قطع‌های آتشین خود را در مقابل سنا و خبرنگاران ارائه می‌دادند، نگفتند که راه‌حل جایگزین آنها به جای توافق هسته‌ای فقط جنگ است و براساس چه منطقی یک جنگ، مفیدتر از یک توافق دیپلماتیک است. آنها تنها دانما بر شیور احتمال کشته شدن مردم می‌دمد اما مشخص نیست این مردم چگونه قرار است کشته شوند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، باید کمی آن‌طرف‌تر از توافق هسته‌ای و شکل دیگری از انرژی را جست‌وجو کرد، «انرژی سوخت‌های فسیلی». قیمت نفت خام طی روزهای گذشته شدیدترین افت روزانه ماه‌های اخیر را تجربه کرد و به زیر ۴۵ دلار در هر بشکه رسید. این قیمت برای تولید خام از منابع سختی مانند شیل یا اعماق دریاهای دوردست، رقمی غیرقابل‌پذیرش است و قطعاً شرکت‌هایی مانند اکسون و شورون، رنج زیادی را از چنین قیمتی منحمل می‌شوند. این شرکت‌ها میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری در انواع میداین نفتی داشته‌اند و اکنون می‌خواهند میلیاردها دلار از این سرمایه‌گذاری برداشت کنند اما هنوز هم به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارند. نحوه عملکرد غول‌های صنعت نفت جهان به این شکل است که مهم‌ترین بخش این شرکت‌ها، قسمت نظارت و پیش‌بینی بازارهای جهانی است. آنها به‌خوبی آینده را برآورد می‌کنند و می‌دانند از یک‌ماه تا یک سال آینده چه اتفاقاتی قرار است در بازار رخ دهد. وقتی وضعیت بازار به شکل فعلی است که در آن رشد اقتصادی چین با وقفه روبه‌رو شده و تقاضا در بازار نفت رو به کاهش است و از سوی دیگر هر روز بر تولید نفت اوپک و دیگر تولیدکنندگان افزوده می‌شود، اکسون، شورون، توتال و دیگر شرکت‌ها، با کاستن از هزینه‌ها و تمرکز بر بخش‌های سودآور تولید، گلیم خود را از آب بیرون می‌کشند که البته این کار به قیمت هزاران شغل در آمریکا تمام شده است. حال، در شرایطی که عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان و اوپک، به دنبال حفظ سهم خود از مشتریان باقیمانده است و از افزایش قیمت نفت حمایت نمی‌کند، ورود ایران و افزوده شدن یک و نیم میلیون بشکه نفت به سبب ورودی روزانه بازارهای نفت خام چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

سناتور مارکو روبیو، تنها سناتور آمریکایی جمهوری‌خواهی بود که تا حدودی به‌منظور اصلی نزدیک شد و علت مخالفتش با توافق هسته‌ای ایران را آزاد شدن منابع مالی و امکان درآمدزایی برای ایران عنوان کرد. اگر چه او هم درنهایت به صحرای جنگ و کشتار زد و سعی کرد با استفاده از ابزار قدیمی دیگران را وادار به مخالفت کند، اما واقعیت ماجرا را بیشتر از قبل برای ما روشن کرد. واقعیت این است که شرکت‌های نفتی آمریکا به غیر از محاسبات و تجهیزات و تکنولوژی، یک ابزار قدرتمند و مهم دیگر نیز برای بقا در بازار دارند و آن لابی‌های سیاسی است که در میان سیاستمداران این کشور نفوذ زیادی دارد. شرکت‌های نفتی هرگاه منافع خود را در خطر ببینند، دلارهایشان را به جای میدان‌های نفت، در کنگره خرج می‌کنند تا بتوانند از ابزار قانون برای رسیدن به هدف نمونه بگیرند چنین رفتاری را در ابتدای شکوفایی صنعت شیل و صادرات نفت اوباما قانون ۵۰ ساله ممنوعیت صادرات نفت از آمریکا را لغو کرد، دیدیم. اکنون نیز این لابی‌های نفتی مجدداً فعال شده‌اند تا یک‌سال مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری و با استفاده از نیاز مالی که کمپین‌های انتخاباتی دو حزب دارند، بتوانند بر سر راه لغو تحریم‌های نفتی ایران مانع‌تراشی کنند. درواقع وقتی به درستی به ماجرای مخالفت‌های جمهوری‌خواهان با توافق هسته‌ای می‌نگریم، ردپایی سیاه را در آن می‌بینیم که ورای منافع سیاسی، از یک‌سو با ایران برای حضور در میداین نفتی‌اش و سرمایه‌گذاری در یکی از ارزان‌ترین تولیدات نفت جهان مذاکره می‌کند و از سوی دیگر تلاش می‌کند تحریم‌های نفتی این کشور برداشته نشود تا بتواند به صادرات نفت از آمریکا ادامه دهد و قیمت‌ها را در سطحی که برایش مطلوب است حفظ کند. اگر چه این فرصت در قوانین آمریکا در اختیار لابی‌های دیگر نیز به‌صورت برابر وجود دارد اما آنچه نابرابری را به‌وجود می‌آورد، حجم دلارهایی است که در اختیار لابی‌های نفتی سناتس.

شرکت‌های نفتی هرگاه منافع خود را در خطر ببینند دلارهایشان را به جای میدان‌های نفت، در کنگره خرج می‌کنند تا بتوانند از ابزار قانون برای رسیدن به هدف نمونه بگیرند چنین رفتاری را در ابتدای شکوفایی صنعت شیل و صادرات نفت اوباما قانون ۵۰ ساله ممنوعیت صادرات نفت از آمریکا را لغو کرد، دیدیم. اکنون نیز این لابی‌های نفتی مجدداً فعال شده‌اند تا یک‌سال مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری و با استفاده از نیاز مالی که کمپین‌های انتخاباتی دو حزب دارند، بتوانند بر سر راه لغو تحریم‌های نفتی ایران مانع‌تراشی کنند. درواقع وقتی به درستی به ماجرای مخالفت‌های جمهوری‌خواهان با توافق هسته‌ای می‌نگریم، ردپایی سیاه را در آن می‌بینیم که ورای منافع سیاسی، از یک‌سو با ایران برای حضور در میداین نفتی‌اش و سرمایه‌گذاری در یکی از ارزان‌ترین تولیدات نفت جهان مذاکره می‌کند و از سوی دیگر تلاش می‌کند تحریم‌های نفتی این کشور برداشته نشود تا بتواند به صادرات نفت از آمریکا ادامه دهد و قیمت‌ها را در سطحی که برایش مطلوب است حفظ کند. اگر چه این فرصت در قوانین آمریکا در اختیار لابی‌های دیگر نیز به‌صورت برابر وجود دارد اما آنچه نابرابری را به‌وجود می‌آورد، حجم دلارهایی است که در اختیار لابی‌های نفتی سناتس.

شرکت‌های نفتی هرگاه منافع خود را در خطر ببینند دلارهایشان را به جای میدان‌های نفت، در کنگره خرج می‌کنند تا بتوانند از ابزار قانون برای رسیدن به هدف نمونه بگیرند چنین رفتاری را در ابتدای شکوفایی صنعت شیل و صادرات نفت اوباما قانون ۵۰ ساله ممنوعیت صادرات نفت از آمریکا را لغو کرد، دیدیم. اکنون نیز این لابی‌های نفتی مجدداً فعال شده‌اند تا یک‌سال مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری و با استفاده از نیاز مالی که کمپین‌های انتخاباتی دو حزب دارند، بتوانند بر سر راه لغو تحریم‌های نفتی ایران مانع‌تراشی کنند. درواقع وقتی به درستی به ماجرای مخالفت‌های جمهوری‌خواهان با توافق هسته‌ای می‌نگریم، ردپایی سیاه را در آن می‌بینیم که ورای منافع سیاسی، از یک‌سو با ایران برای حضور در میداین نفتی‌اش و سرمایه‌گذاری در یکی از ارزان‌ترین تولیدات نفت جهان مذاکره می‌کند و از سوی دیگر تلاش می‌کند تحریم‌های نفتی این کشور برداشته نشود تا بتواند به صادرات نفت از آمریکا ادامه دهد و قیمت‌ها را در سطحی که برایش مطلوب است حفظ کند. اگر چه این فرصت در قوانین آمریکا در اختیار لابی‌های دیگر نیز به‌صورت برابر وجود دارد اما آنچه نابرابری را به‌وجود می‌آورد، حجم دلارهایی است که در اختیار لابی‌های نفتی سناتس.



عده‌ای افت قیمت را تا ۲۰ دلار هم پیش‌بینی کرده‌اند. این سناریو می‌تواند سناریوی درستی باشد؟ محمدصادق جوکار در این باره می‌گوید: «در مورد افت قیمت نفت «کلدمن ساکس» هم پیش‌بینی کرد که در سال آینده میلادی قیمت نفت، به ۱۰ دلار کاهش به ۵۰ دلار؛ یعنی ۱۰ دلار کمتر از تخمین سابق خود برسد. اما هر سناریویی برای آنکه تعریف کامل‌تری از بازار در اختیار ما قرار دهد باید حتماً شامل سناریوی کمینه و میانگین و بیشینه باشد. آنچه با عنوان نفت ۲۰ دلاری مطرح شده همان سناریوی کمینه است که در بدترین شرایط، احتمال تحقق دارد.»